

Semiotic analysis of a lyric by Hafez

Elahe Shahi *

PHD student of Persian Language and Literature, Arak State University, Arak, Iran

Mohsen Zolfaghari

Dr. Mohsen Zolfaghari: Professor of Persian Language and Literature, Arak State University, Arak, Iran

Hasan Heydari

Dr. Hasan Heydari: Professor of Persian Language and Literature, Arak State University, Arak, Iran


Abstract:


In the present study, entitled "Semiotic analysis of a lyric by Hafez", a selected poem with the information "Yousef is lost and returns to Canaan grief-stricken / Ahzan hut will be grief-stricken Golestan one day" has been studied and analyzed. In this article, the author has answered the research questions of the article by using the method of intra-text analysis and using first-hand library resources. The meanings and explanations of each, the study of the factors that motivate the signals such as, sitting in the position of the adjective in the adjective composition, sitting in the adjective position in the additional compound, sitting in the position similar to the additional simile, sitting in the position similar to the metaphorical addition, Sitting on the axis of companionship and using the magic of proximity, the existence of explicit meanings in the bit, after or before the desired sign, etc. Emphasis on the effect of entanglement of multidimensional signs and images in layering meaning and creating new semantic levels, Unlocking the role of cryptographic elements in creating poetic imagination and creating artistic words and using multiple semantic chains (observance and proportion) as the dominant aspect of these elements, also as one of the main factors in creating three or more dimensional images in the vertical axis of each Ghazals are the main topics of research that while extracting and presenting the findings in line with each of these axes, in the end A coherent and general interpretation of the sonnet has also been achieved.


Keywords: Ghazal "Yusuf lost and returns to the sad Canaan", Hafez, semiotics, the central core of the codes, signified, signified, entanglement, arousal.



« تحلیل نشانه شناسیک غزلی از حافظ »

الهه شاهی *  دانشجوی دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اراک، اراک، ایران

دکتر محسن ذوالفقاری  استاد تمام رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اراک، اراک، ایران

دکتر حسن حیدری  استاد تمام رشته زبان و ادبیات فارس، دانشگاه اراک، اراک، ایران

چکیده:

در پژوهش حاضر با عنوان «تحلیل نشانه شناسیک غزلی از حافظ»، شعری انتخابی با مطلع «یوسف گم گشته باز آید به کنعان غم مخور» مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. نویسنده در این جستار با بهره گیری از روش تحلیل درون متنی و با استفاده از منابع دست اول کتابخانه ای به پرسش های تحقیقاتی مقاله پاسخ داده. کشف، ارایه و تحلیل هسته ی مرکزی رمزگان و کدهای تقویت کننده ی این کانون، تحلیل روابط دال و مدلول ها و تبیین دلالت هریک، بررسی عوامل ایجاد انگیختگی دال ها مانند، نشستن در جایگاه موصوف در ترکیب وصفی، نشستن در جایگاه مضاف در ترکیب اضافی، نشستن در جایگاه مشبه به در تشبیه اضافی، نشستن در جایگاه وجه شبه در اضافه ی استعاره، نشستن روی محور همنشینی و بهره گیری از جادوی مجاورت، وجود دلالت های صریح در بیت، پس یا پیش از دال مورد نظر و... تاکید بر تاثیر درهم تنیدگی نشانه ها و تصاویر چند بعدی در لایه ای شدن معنا و ایجاد سطوح معنایی تازه، باز نمودن نقش عناصر رمزگان در ایجاد تخیل شاعرانه و آفرینش کلام هنری و کاربرد زنجیره های متعدد معنایی (مراعات نظیر و تناسب) به عنوان وجه غالب این عناصر، نیز به عنوان یکی از عوامل اصلی ایجاد تصاویر سه یا چند بعدی در محور عمودی هر غزل، موضوعات اساسی پژوهش بوده که ضمن استخراج و ارایه یافته ها در راستای هر یک از این محورها، در پایان به تفسیری منسجم و کلی از غزل نیز دست یافته است.

کلیدواژه ها: غزل «یوسف گم گشته باز آید به کنعان غم مخور»، حافظ، نشانه شناسی، هسته مرکزی رمزگان، دال و مدلول، دلالت، درهم تنیدگی، انگیختگی.

مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اراک است.

* نویسنده مسئول: EzadeBaran@gmail.com

(۱) مقدمه :

یکی از موضوعات دانش زبان شناسی در بحث نظریه های ادبی، نشانه شناسی است که مباحث بنیادی آن به وسیله ی کسانی چون فردیناند دوسوسور ، یاکوبسن و پیرس پایه گذاری شد و به وسیله ی نشانه شناسان متاخر، همچون مایکل ریفاتر و بارت بسط و گسترش یافت.

نشانه شناسی ، علمی است که به شناخت و تحلیل نشانه ها می پردازد. در تعریف نشانه گفته اند : « هر چیزی که به عنوان دلالت گر ، ارجاع دهنده یا اشاره گر به چیزی غیر از خودش تلقی شود؛ می تواند نشانه باشد. » (چندلر ، ۱۳۸۷ ، ۴۱۲)

نشانه شناسی متون ادبی، یکی از شاخه های نشانه شناسی است که به تجزیه و تحلیل متون ادبی از جمله شعر و داستان می پردازد. تحلیل متن به اعتبار محور جانشینی و همنشینی؛ بررسی دلالت های ضمنی ، شناخت ساز و کارهای شکل دهنده به گفتمان و شناسایی دیگر شگردهای بلاغی است. (فرهنگ یوسف پور ، ۱۳۸۷ ، ۱۴۴)

در این مقاله سعی بر آن است تا با بهره گیری از نظریات نشانه شناسی متاخر، با واکاوی زیرساخت های معنایی ضمن بیان رمزگان و روشن شدن کارکرد آن در غزل فارسی، راه های کشف و رسیدن به لایه های زیرین معنا را در کلام حافظ آشکار نماید و از راه کشف هسته ی مرکزی رمز و کدهای تقویت کننده ی آن در غزل انتخابی و تحلیل روابط دال و مدلول ها ، بررسی عوامل ایجاد انگیختگی دال ها ، تاکید بر تاثیر درهم تنیدگی نشانه ها در چند لایه ای شدن معنا و مفهوم و باز نمودن نقش عناصر رمزگان در ایجاد تخیل شاعرانه و آفرینش کلام هنری با رویکرد خواننده محور به تفسیری کلی و منسجم از غزل دست یابد.

(۲) پیشینه ی پژوهش :

با توجه به گذشت حدود یک قرن از رواج آرا و الگوهای دانش نشانه شناسی در جهان، در ایران نیز پژوهش هایی در این خصوص صورت گرفته که هریک به نوبه ی خود حایز اهمیت و جایگاه است. به منظور معرفی مقالات مرتبط با موضوع این پژوهش و ارائه ی پیشینه تحقیق، آثار بررسی شده به وسیله ی نویسنده در قالب دو دسته بندی زیر قابل شرح و تبیین خواهد بود.

*دسته ی نخست ، مقالاتی است که به طور غیر مستقیم با پژوهش حاضر در ارتباط هستند. این مقالات نشانه شناسیک در متونی به جز اشعار حافظ به بررسی و تحلیل نظریات نشانه شناسان بزرگ پرداخته اند.

از جمله این مقالات می توان به مقاله ی (کاربست نظریه ی مایکل ریفاتر بر شعر « ای مرز پر گهر» فروغ فرخزاد) ، نوشته ی بهزاد برکت و طیبه افتخاری اشاره کرد که در سال ۱۳۸۹ ، در نشریه ی پژوهش های زبان و ادبیات تطبیقی ، سال اول ، شماره ۴ به چاپ رسیده است. نویسندگان این مقاله نخست به معرفی رویکرد نظری ریفاتر پرداخته و سپس دست به خوانش هنری شعر « ای مرز پر گهر » زده اند.

«نشانه شناسی شعر الفبای درد ، سروده ی قیصر امین پور» نوشته سهیلا فرهنگی و محمد کاظم یوسف پور که در سال ۱۳۸۹ در کاوش نامه زبان و ادبیات فارسی ، دوره ۱۱ ، شماره ۲۱ ، صص ۱۴۳-۱۶۶ به چاپ رسیده است؛ ضمن معرفی نشانه شناسی ادبی شعر الفبای درد ، روابط بینامتنی زمان ، مکان ، فرم ، نحو و رمزگان های نهایی را نمایانده است.

مقاله ی « کاربرد نظریه ی ریفاتر در تحلیل شعر ققنوس نیما» ، نوشته ی علیرضا نبی لو که در سال ۱۳۹۰ در فصل نامه ی پژوهش های زبان شناختی در زبان های خارجی ، دوره ی ۱ ، شماره ی ۲ ، صص ۸۱-۹۴ به چاپ رسیده است؛ پس از بررسی و تحلیل عناصر غیر دستوری به انباشت ها ، منظومه های توصیفی و شبکه های ساختاری نظیر محل زندگی و جامعه ، ناامیدی و غربت شاعر و... دست یافته است.

مقاله ی « بررسی نشانه شناختی شعر مسافر سهراب سپهری» ، نگارش فرهاد طهماسبی و مهوش خواجوی، سال ۱۳۹۳ ، چاپ شده در نشریه پژوهش های زبان شناختی در زبان های خارجی ، دوره ۲ ، شماره ۲ ، صص ۲۱۵-۲۴۲ نشان می دهد که الگوی ساخت گرای ریفاتر و یاکوبسن تا چه اندازه در تحلیل شعر مسافر به خوانش خلاق شعر منتهی می گردد. در حقیقت این پژوهش ، مقایسه ای است میان الگوهای مطرح شده به وسیله ریفاتر و یاکوبسن.

مقاله دیگر « بررسی آیین عزاداری در شاهنامه ی فردوسی به مثابه رمزگان نشانه شناختی » ، نوشته طاهره خواجه گیری و حسین حیدری ، در سال ۱۳۹۶، چاپ شده در نشریه متن پژوهی ادبی، شماره ۷۲، دوره ی ۲۱، صص ۱۱۷-۱۴۱ است که با تاکید بر آرای سوسور و پیرگرو و توجه به زیرساخت های اساطیری، آیین سوگواری را در شاهنامه به مثابه متنی که از نظام نشانه ای معناداری برخوردار است؛ بررسی کرده.

از نقاط قوت این پژوهش ها می توان تازگی موضوع و رویکرد تحلیل نشانه شناسیک متون ادبی را ذکر کرد. هرچند نگارش مقاله بر اساس آرا و اندیشه های صرفاً یک نظریه پرداز یا نشانه شناس غربی بدون بومی سازی ، کار بسیار سخت ، محدود کننده و در برخی موارد غیر ممکن خواهد بود.

*دسته دوم مقالات و پژوهش هایی هستند که در ارتباط مستقیم با مقاله مورد بررسی و در متن غزل های حافظ صورت پذیرفته اند. از جمله این آثار می توان با توجه به ترتیب زمانی به مقالات زیر اشاره کرد.

- « بررسی نشانه شناختی میر عاشقان ، روابط عمودی غزل حافظ »، محمد رضا اکرمی، سال نشر (۱۳۸۸) ، چاپ شده در نشریه ی شعر پژوهی (بوستان ادب - علوم اجتماعی و انسانی)، دوره ۱، شماره ۱، صص ۱-۱۳. نویسنده در این مقاله ، مخاطب پنهان غزل با مطلع « صوفی گلی بچین و مرقع به خار بخش / وین زهد خشک را به می خوشگوار بخش » را با توجه به حرکت عمودی شعر و نمایاندن نشانه های درون متنی مورد بررسی و معرفی قرار داده است.

- « بررسی مناسبات دال های زبان در نقش شعری و پاراللیسم در غزل های حافظ »، فریده داوودی مقدم ، سال نشر (۱۳۸۹) ، چاپ شده در نخستین همایش ملی ادبیات فارسی و پژوهش های میان رشته ای بیرجند. بخشی از این مقاله که بر پایه ی مبانی نشانه شناسی لایه ای به نگارش درآمده ، به بررسی استعاره و بخش دیگر به تحلیل غزل های وی به شیوه ی پاراللیسم حلقه ای پرداخته و برخی از پریشانی ها و عدم وحدت موضوعی شعر حافظ را توجیه و تفسیر کرده است.

- « بررسی عناصر نشانه شناختی امیدواری در غزلیات حافظ با تکیه بر روان شناسی مثبت گرا »، نسرین عینی، سال نشر (۱۳۹۵) ، چاپ شده در فصل نامه ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی ، سندج ، دوره ۸ ، شماره ۲۶، ۲۷، صص ۲۷۹-۳۱۰. این پژوهش کیفی بر پایه ی

نظریه نشانه‌شناسی چارلز سندرز پیرس در ۲۹۵ غزل به شناسایی نشانه‌های امیدواری در دیوان حافظ پرداخته است.

- «نشانه‌شناسی گفتمانی ادبیات پایداری در غزلیات حافظ»، احمد توانایی - مسعود روحانی - سید علی اصغر سلطانی، سال نشر (۱۳۹۸)، چاپ شده در دو فصل نامه علمی دین و ارتباطات دانشگاه امام صادق، دوره ۲۶، شماره ۲ پیاپی ۵۶. نویسندگان این مقاله به بررسی گفتمان ادبیات پایداری در غزلیات حافظ بر مبنای نظریه‌ی گفتمان لاکلاو و موف و الگوی نشانه‌شناسی گفتمانی از منظر متن، بینامتنیت و بافت پرداخته است.

- تحلیل مفهوم بلاغی و زبان شناختی دو نشانه‌زبانی «محتسب» و «دنیا» در غزلی از حافظ بر مبنای رویکرد نشانه‌شناسی اومبرتو اکو، یحیی نورالدینی اقوم، سال نشر (۱۳۹۹)، چاپ شده در نشریه مطالعات زبانی و بلاغی، دوره ۱۱، شماره ۲۱، صص ۴۱۵-۴۴۴. نویسنده در پژوهشی توصیفی - تحلیلی، دو نشانه‌ی زبانی «محتسب» و «دنیا» را در یکی از غزل‌های حافظ بر مبنای رویکرد نشانه‌شناسی اکو مورد بررسی قرار داده است.

در پایان، اشاره به این نکته ضرورت دارد که روش کار این مقاله، بر خلاف مقالات یاد شده، نه بر اساس آرا و الگوی یک یا دو نشانه‌شناس خاص، بلکه بر مبنای الگو و روشی تلفیقی و ابداعی با بهره‌گیری از شیوه‌های گوناگون نقد و تحلیل نشانه‌شناسی ادبی در میان نشانه‌شناسان بزرگ جهان و توجه به اصل بومی‌سازی این دانش در ایران به طور عام و در این پژوهش به طور اختصاصی و انحصاری بوده است تا این امکان را فراهم نماید که خواننده‌ی برخوردار از توانش ادبی با گذر از لایه‌های سطحی شعر و رسیدن به لایه‌های درونی به معانی ژرف تری از آثار ادبی نیز راه پیدا کند، با کشف و شناخت نشانه‌ها تاثیر آن‌ها را در ایجاد انسجام طولی و درک و دریافت مضامین جدید و غیر تکراری شاعرانه دریابد و در نهایت به هدف اصلی هنر که ایجاد التذاذ ادبی فراخور حال در مخاطب است؛ دست یابد.

۳) روش :

زبان متون ادبی به ویژه شعر، باید ماهیتی غیر دستوری داشته باشد. از این رو، جنبه‌های غیر دستوری شعر، نشانه‌هایی از دلالت شعر هستند و بایستی به دقت بررسی شوند. (پاینده،

۱۳۸۸، ۱۶۹). از آن جا که بررسی عناصر غیر دستوری، با بهره گیری از دانش نشانه شناسی امکان پذیر است، این مقاله بر آن است تا با رویکردی غیر تکراری و غیر یکنواخت، برای خواننده این امکان را فراهم نماید که با کشف نقش و کارکرد رمزگان در ایجاد پیوند طولی میان ابیات و با دست یابی به تاثیر عناصر زیبایی شناختی رمزگان در آفرینش کلام هنری، همچنین با کشف ایده ی اصلی حاکم بر کلیت غزل از طریق شناخت انواع دال ها، به پاسخی مناسب، برای هر یک از پرسش های تحقیقاتی زیر دست یابد.

۱- کانون رمز یا هسته مرکزی رمزگان در این غزل کدام است؟

۲- کدهای تقویت کننده ی کانون مرکزی رمزگان در این غزل کدامند؟

۳- روابط حاکم بر دال ، مدلول و دلالت ها (نشانه) در این غزل چگونه است؟

۴- کارکرد، نقش و بسامد استفاده از عناصر رمزگان در بحث زیبایی شناسی این غزل

چيست؟

۵- درهم تنیدگی نشانه ها، چه تاثیری در افزایش لایه ها و ایجاد سطوح معنایی جدید

در متن این غزل دارد؟

۱- عوامل ایجاد انگیزگی در دال های این غزل کدامند؟

۴) مبانی نظری پژوهش

۴-۱- دانش نشانه شناسی (Semiotics)

فردینان دوسوسور، زبان شناس سویسی و چارلز ساندرز پیرس، فیلسوف امریکایی، که کم و بیش در یک دوره ی تاریخی می زیسته اند، بنیانگذاران اصلی آن چه امروز با نام نشانه شناسی نامیده می شود، هستند. اگر چه پس از سوسور و همچنین پیرس تحولات گسترده ای در مباحث نشانه شناسی صورت گرفته و مبانی فکری اینان در حوزه های متفاوتی گسترش یافته است، کماکان الگوهایی که این دو از مفهوم نشانه به دست داده اند، اعتبار

بنیادی خود را حفظ کرده و مبنای تحولات بعدی بوده است. (سجودی، ۱۳۹۷، ۱۲)

تعریف سوسور از نشانه جریانی را بنا نهاد که پژوهش نشانه شناختی در نیمه ی اول قرن بیستم تحت تاثیر آن قرار گرفت. او نشانه را صورتی تعریف کرد که متشکل از چیزی مثل صداها

حروف، ژست و حرکات بدنی و مانند آن، دال، و تصویر یا مفهومی که دال به آن اشاره دارد، مدلول، و رابطه‌ی بین این دو را دلالت نامید.

نشانه‌شناسی علم مطالعه‌ی نشانه‌ها است. این علم صرفاً روشی برای تحلیل‌های متنی نیست بلکه به نظریه و تحلیل نشانه‌ها، رمزگان و فرایندهای دلالتی نیز می‌پردازد. (نوبخت، ۱۳۹۱، ۳۰)

۴-۲ نشانه‌شناسی و ادبیات

از نظر پی‌یر گیرو، زبان‌شناس فرانسوی، همه چیز یک نشانه است و نشانه‌شناسی که علم نشانه‌هاست همه‌ی دانایی و تجربه‌ی انسان را در بر می‌گیرد. بنابراین بسیاری از حوزه‌های فکر و اندیشه را می‌توان در قالب اصول نشانه‌شناسی بررسی و تحلیل کرد. با این رویکرد، ادبیات و شعر نیز از نظام نشانه‌ای پیچیده‌ای برخوردار و نویسنده و شاعر ابداع‌گر این نشانه‌ها و رمزگان خواهد بود. در دهه‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ علم نشانه‌شناسی که به وسیله‌ی سوسور پایه‌گذاری شد، در حیطه‌های مختلف از جمله رویکردهای ادبی همچون صورت‌گرایی و ساختارگرایی به کار گرفته شد.

به عقیده‌ی سوسور، زبان مجموعه‌ای از قراردادهای اجتماعی (نشانه‌های زبانی و روابط موجود میان آن‌ها) است که به صورت گفتار ظاهر می‌شود. نشانه‌ی زبانی نه تنها ارتباط یک شی و یک نام، بلکه پیوند یک مفهوم با یک صورت‌آوایی است. بر این پایه، هر نشانه‌ی زبانی مفهومی را به یک صورت‌آوایی مربوط می‌سازد. نشانه‌ی زبانی در اصل واقعیتی روان‌شناختی است که دارای دو بخش، صورت‌آوایی (دال) و مفهوم (مدلول) خواهد بود. (مقدادی، ۱۳۷۸، صص ۴۶۳-۴۶۴)

نشانه‌شناسی متون ادبی یکی از شاخه‌های نشانه‌شناسی است که به تجزیه و تحلیل متون ادبی از جمله شعر و داستان می‌پردازد. تحلیل متن به اعتبار محور جانشینی و هم‌نشینی؛ بررسی دلالت‌های ضمنی، شناخت ساز و کارهای شکل‌دهنده به گفتمان از قبیل اسطوره‌ها، استعاره‌ها، نمادها و شناسایی دیگر شگردهای بلاغی است. (فرهنگی، ۱۳۸۹، ۱۴۴)

نویسنده برای انتقال پیام خود از نشانه‌ها مدد می‌جوید و خواننده برای فهم پیام بایستی بتواند نشانه‌ها را رمزگشایی کند. نشانه‌شناسی و ساختارگرایی از جمله نظریه‌هایی هستند که ابتدا

به چگونگی انتقال معنا به وسیله ی زبان و ادبیات می پردازند. (همان) به عبارت دیگر، نظریه های مطرح در این دو شاخه از علم برآند که نشان دهند چگونه درک ما از واقعیات جهان هستی تحت تاثیر زبانی که با آن تکلم می کنیم؛ قرار گرفته است. هر زبانی دریچه ای است که از طریق آن یک فرد واقعیات را درک می کند.

*تعریف اصطلاحات

- **نشانه (رمز)**، **دال** ، **مدلول** ، **دلالت**: فردینان دوسوسور که همواره از او به نام پدر علم زبان شناسی یاد کرده اند و از جمله پیشگامان مطالعات نشانه شناختی به شمار می آید ، نشانه را موضوعی فیزیکی و در عین حال معنادار می پندارد. پدیده ای که از ترکیب دال و مدلول شکل می گیرد. الگوی سوسور از نشانه ، الگویی دو وجهی است . هر نشانه تشکیل شده از دال و مدلول . نشانه ناشی از پیوند دال و مدلول است که رابطه ی میان این دو را دلالت می نامند. سوسور متذکر می شود که این دو وجه نشانه وابستگی متقابل به یکدیگر دارند و هیچ کدام مقدم بر دیگری نیست. دال و مدلول (صدا و اندیشه) همچون دو روی کاغذ از هم جدایی ناپذیرند و به واسطه ی یک پیوند متداعی ارتباط تنگاتنگ ذهنی دارند و هر یک آن دیگری را راه می اندازند. دال تصویر آوایی و مدلول تصویر ذهنی و مفهومی آن است و رابطه ی ساختاری متقابل و هم بسته ی آن ها که دلالت خوانده می شود ، نشانه را به وجود می آورد. (دوسوسور ، ۱۳۷۸ ، ۶۶)

*انواع دلالت :

- **دلالت مستقیم**: دلالت مستقیم یا معنای صریح را با عباراتی چون معنای مبتنی بر تعریف ، معنای تحت اللفظی ، معنای بدیهی یا معنای مبتنی بر دریافت عام توصیف کرده اند. (چندلر ، ۲۰۰۷، ۱۳۷) در مورد نشانه های زبانی گفته شده که معنای صریح همان است که در فرهنگ های لغت آمده است.

- **دلالت ضمنی**: دال و مدلول‌ها و نشانه‌های مستقیم را به عنوان دال خود در نظر می‌گیرد و یک مدلول اضافی به آن‌ها الصاق می‌کند و وجوه شمایی و نمادین را شامل می‌شود. (همان، ۲۱۲—۲۱۶) عبارت معنای ضمنی به تداعی‌های اجتماعی-فرهنگی و شخصی نشانه اشاره دارد.

بیشتر نشانه‌شناسان معتقدند که هیچ نشانه‌ای به گونه‌ای ناب ارجاعی و عاری از معنای ضمنی نیست و هیچ توصیف ختثای عینی عاری از عنصر ارزش‌گزاری وجود ندارد. (سجودی، ۱۳۹۷، ۷۳)

- **رمزگان**: مجموعه‌ی قواعدی هستند که بر اساس آن عناصری (واژگان و تعابیر) انتخاب می‌شوند، با عناصر دیگر ترکیب شده، عناصر جدیدی (معانی) را می‌سازند. زبان بزرگ‌ترین و پیچیده‌ترین رمزگان است. زیرا همه‌ی رمزگان‌های دیگر از جمله آداب، پوشاک، رفتار و... به واسطه‌ی زبان قابل توصیف است. (فتوحی، ۹۱، ۲۶۰)

- **انگیختگی**: بنا بر آن چه سوسور در این مورد اظهار کرده، زبان مجموعه‌ای از نشانه‌ها و نشانه‌ی زبانی رابطه‌ی اختیاری بین دال و مدلول است. برخی نشانه‌ها انگیخته‌اند، برخی غیر انگیخته و برخی نیز نیمه انگیخته. انگیختگی با مساله‌ی زبان ارتباط دارد. به عبارت دیگر، مرور زمان سبب انگیختگی صورت‌های زبانی می‌شود. به طور کلی می‌توان گفت نشانه‌ای انگیخته است که در صورت آن سرنخی برای رسیدن به معنای آن موجود باشد. دال‌های شفاف یا انگیخته آن دسته از نشانه‌ها هستند که از روی صدا، ساخت، رابطه و... می‌توان به معنی آن‌ها پی برد. در مقابل، کلمات تیره یا غیر انگیخته که تلفظ، ساخت یا رابطه‌ی آن‌ها ردپایی برای شناخت معنیشان به خواننده به دست ندهد. (باطنی، ۱۳۵۶: ص ۱۱۷)

در این پژوهش، به طور خاص به بررسی روش‌های انگیختگی دال و نشانه در غزل‌های حافظ و به شکل تعمیم‌پذیر، سایر متون ادبی پرداخته شده است. نیز از انواع سه‌گانه‌ی

انگیختگی (معنایی ، آوایی ، واژه ای) انگیختگی معنایی منظور نظر نویسنده است که با در نظر گرفتن تاثیر هم نشینی دال ها با گروه خاصی از واژه ها و قرار گرفتن در جایگاهی ویژه در گروه های اسمی روی محور افقی کلام (رابطه) ، با کشف رابطه ی بین صورت و معنای رمزگان ، درجه ی انگیختگی نشانه ها را در غزل های خواجه ی شیراز مشخص نماید.

- **درهم تنیدگی** : کاربرد این اصطلاح در بخش بازی نشانه ها و معادل هم بستگی ذرات و عناصر زیبایی شناختی در نشانه ها قابل مشاهده خواهد بود. با توجه به رویکرد کل نگر در این پژوهش و واکاوی کارکرد عناصر زیبایی شناسی در نشانه ها و تاثیر آن در آفرینش هنجارگریزی های پویا و هنرمندانه ، ایجاد انسجام و پیوند طولی ، آفرینش تصاویر اندام وار و رسیدن به یک سامانه ی یک دست با وحدت مضمون به بررسی تاثیر درهم تنیدگی تناسبات هنری و عوامل ایجاد تخیل شاعرانه در متن غزل خواجه خواهیم پرداخت. در این راستا در مواردی که عناصر زیبایی شناسی رمزگان به طور هم زمان و درهم تنیده به خلق نگاره های هنری می پردازند ، ابهام زایی ، اندام وارگی ، موسیقی ، القای مفاهیم و تصاویر چند بعدی در محور عمودی متن افزایش می یابد و در ایجاد سطوح و لایه های معنایی تازه نیز موثر خواهد بود.

درهم تنیدگی رمزگان شامل (با هم آبی مراعات نظیر ، تشبیه ، ایهام ،) در یک یا دو دال مرتبط خواهد بود.

- **متن** : بستری است که نشانه ها در آن زمینه ی ظهور می یابند . حتی نوع نشانه نیز وابسته به متنی است که در آن به کار می رود و هیچ قطعیت از پیش تعیین شده ای نمی توان بر آن متصور شد. (سجودی ، ۱۳۸۲ ، ص ۲۱۵)

- **محور همنشینی ، جانشینی** : این دو محور را سوسور مطرح کرده است. در محور جانشینی عناصر انتخاب می شوند و در محور همنشینی این عناصر انتخاب شده ترکیب می شوند.

روابط هم نشینی و متداعی : یکی از تقابل های دوگانه ی مطرح در نظریه ی زبان شناسی ساختگرایی سوسوری است.

سوسور معتقد است که « روابط و تفاوت هایی که میان عناصر زبان وجود دارد، به دو حوزه ی متمایز تقسیم می شود که هر یک پدید آورنده ی دسته ی معینی از ارزش هاست... این دو دسته به دو گونه فعالیت ذهنی ما مربوطند که برای حیات زبان ضروری به شمار می روند.» (سوسور، ۱۳۷۸، ۱۷۶)

از یک سو به روابط واژه ها در گفتار به دلیل توألیشان اشاره می کند که بر بنیاد ویژگی خطی و یک بعدی زبان استوار است و به همین دلیل این عناصر یکی بعد از دیگری بر روی زنجیره ی گفتار ترتیب می یابند. این ترکیبات را که تکیه گاهشان امتداد زمانی است ، می توان زنجیره نامید. (همان)

سوسور در ادامه به آن سوی دیگر این روابط یعنی روابط متداعی می پردازد و می نویسد : « از سوی دیگر ، در خارج از چهار چوب گفتار ، واژه هایی که وجه مشترکی دارند در حافظه با یکدیگر ارتباط می یابند، به این ترتیب گروه هایی را تشکیل می دهند که روابط بسیار گوناگونی در آن ها حکم فرما است... این نوع همپایگی ها با نوع اول به کلی متفاوت است. تکیه گاه آن ها امتداد خطی یا زمانی نیست ، جایگاه آن ها مغز است. این ها تشکیل دهنده ی بخشی از گنجینه ی درونی انسانند که زبان هر فرد را می سازد. ما این نوع روابط را متداعی می نامیم. (همان، ۱۷۷)

مقصود از روابط هم نشینی در واقع شیوه های متفاوتی است که عناصر درون یک متن را به هم می پیوندد. یعنی نشانه ها از الگوهای جانشین انتخاب می شوند و بر اساس قواعد معنایی و نحوی در کنار هم گذاشته می شوند تا سازه ها و سرانجام متن را تشکیل دهند.

روابط هم نشینی اهمیت روابط جز به کل را برجسته می کنند. (سجودی ، ۱۳۹۷، ۵۱)

۵) ارایه ی یافته ها :

در این بخش به ارایه ی یافته های مورد نظر در غزل انتخابی می پردازیم. یافته هایی که در بسیاری از موارد می توان آن ها را به غزل های دیگر حافظ نیز تعمیم داد و با رویکردی غیر تکراری و غیر یکنواخت با کشف نقش و کارکرد رمزگان در ایجاد پیوند طولی میان ابیات ، آفرینش کلام هنری و کشف ایده ی اصلی حاکم بر کلیت غزل ، به تاویل ، تفسیر و دریافت معانی و مفاهیم تازه ای در کلام حافظ پی برد.

* (متن غزل حافظ بر اساس نسخه غنی ، قزوینی، صفحه ی ۳۴۴) :

"یوسف گم گشته بازآید به کنعان غم مخور / کلبه احزان شود روزی گلستان، غم مخور
ای دل غمدیده ، حالت به شود، دل بد مکن / وین سر شوریده بازآید به کنعان، غم مخور
گر بهار عمر باشد باز بر تخت چمن / چتر گل بر سر کشتی ای مرغ شبخوان ، غم مخور
دور گردون گر دو روزی بر مراد ما نگشت / دایما یکسان نباشد حال دوران، غم مخور
هان مشو نومید چون واقف نه ای از سر غیب / باشد اندر پرده بازی های پنهان، غم مخور
ای دل ار سیل فنا بنیاد هستی بر کند / چون تو را نوح است کشتیان، ز طوفان غم مخور
در بیابان گر به شوق کعبه خواهی زد قدم / سرزنش ها گر کند خار مگیلان، غم مخور
گرچه منزل بس خطرناک است و مقصد بس بعید / هیچ راهی نیست کان را نیست پایان، غم
مخور

حال ما در فرقت جانان و ابرام رقیب / جمله می داند خدای حال گردان ، غم مخور
حافظا ، در کنج فقر و خلوت شب های تار / تا بود وردت دعا و درس قرآن ، غم مخور"

برای دست یابی به ایده ی اصلی این غزل ، ردیف فعلی « غم مخور » را با ساختار پند و اندرزی یا کنش گر، به عنوان هسته ی مرکزی در نظر گرفته ، کلیدواژه های انتخابی زیر را به عنوان کدهای تقویت کننده ی کانون مرکزی رمزگان، مورد تحلیل و بررسی قرار خواهیم داد :

- یوسف / کنعان / کلبه ی احزان / گلستان / دل / سر / بهار / تخت / چتر / گل / مرغ
خوش خوان / دو روز / پرده / بازی - دل / سیل / بنیاد / نوح / کشتی بان / طوفان /
بیابان / کعبه / سرزنش / خار مگیلان / منزل / مقصد / راه / جانان / رقیب / درس قرآن .

۴-۱) تحلیل نشانه ها :

در این بخش به بیان روابط حاکم بر دال ، مدلول و دلالت (نشانه) های هر بیت از غزل مورد نظر خواهیم پرداخت :

بیت (۱)

- - دال : یوسف - مدلول : حضرت یوسف / معشوق / هر عزیز در فراق
- دلالت : فراق / گم شدن / از دست دادن
- - دال : کنعان - مدلول : سرزمین کنعان / وطن / نزد معشوق
- دلالت : بازگشت / دیدار / وصال
- - دال : کلبه ی احزان - مدلول : بیت الاحزان / غمگده
- دلالت : اندوه و نوحه گری بر فراق
- - دال : گلستان - مدلول : گلزار، حضور معشوق و وصال
- دلالت : شادی / پایان فراق / وصال

بیت (۲)

- - دال : دل - مدلول : حافظ / مخاطب
- دلالت : تک گفتار درونی / تمام وجود حافظ یا خواننده / ملهم غیبی / هیجانات و مواجید و احوالات درونی
- - دال : سر - مدلول : وجود
- دلالت : تمام اوضاع و احوال و وجود حافظ یا مخاطب / عقل و خرد / تعقل / محاسبه گری

بیت (۳)

- دال : بهار - مدلول : عمر
- دلالت : شادی ، امید
- دال : تخت - مدلول : چمن / زندگی
- دلالت : شکوه / قدرت / شوکت
- دال : چتر - مدلول : گل
- دلالت : سایه گستری / آسایش
- دال : گل - مدلول : خوشی

- دلالت : شادی / طراوت / آسایش

• دال : مرغ - مدلول : عاشق / حافظ / مخاطب

- دلالت : شادی

بیت (۴)

• دال : دو روز - مدلول : زمان اندک

- دلالت : کوتاهی / گذرا بودن

بیت (۵)

• دال : پرده - مدلول : غیب

- دلالت : پنهان بودن / سری بودن / رازناکی

• دال : بازی - مدلول : سرنوشت ، نقش خوش

- دلالت : تغییر پذیری سرنوشت / امیدواری

بیت (۶)

• دال : دل - مدلول : حافظ / مخاطب

- دلالت : تک گفتار درونی / همه ی وجود حافظ یا مخاطب

• دال : سیل - مدلول : فنا

- دلالت : ویرانگری / نابودی

• دال : بنیاد - مدلول : بن و پایه ی خانه ی هستی

- دلالت : استحکام / پایداری

• دال : نوح - مدلول : رهبر بزرگ و شایسته / معشوق

- دلالت : نجات بخشی / هدایت / ارشاد

• دال : کشتیان - مدلول : راهنما

- دلالت : هدایت

• دال : طوفان - مدلول : مشکلات

- دلالت : هراسناکی / سختی

بیت (۷)

• دال : بیابان - مدلول : صحرای خشک / وادی عشق

- دلالت : سختی / پرخطر
- دال : کعبه - مدلول : خانه ی خدا / کوی یار
- دلالت : ارزشمندی / تقدس
- دال : سرزنش - مدلول : ملامت و شماتت / با سر زدن
- دلالت : آزار
- دال : خار مگیلان - مدلول : نوعی خار / مشکلات هجران
- دلالت : آزار بازدارندگی

بیت (۸)

- دال : منزل - مدلول : کوی یار
- دلالت : رسیدن / وصال
- دال : مقصد - مدلول : کوی یار
- دلالت : رسیدن / وصال
- دال : راه - مدلول : عشق
- دلالت : طی کردن / گذر

بیت (۹)

- دال : جانان - مدلول : خدا / معشوق
- دلالت : بزرگی / عزت
- دال : رقیب - مدلول : شیطان / معاندان / حریف عشقی
- دلالت : بازدارندگی / شرارت / ایذا

بیت (۱۰)

- دال : درس قرآن - مدلول : تعلیم گرفتن
- دلالت : آموختن

۲-۴) بازی نشانه ها :

۱-۲-۴) زیبایی شناسی دال ها بر پایه ی محور همنشینی و جادوی مجاورت (روابط آوایی و هم نامی دال ها) :

الف) واج آرایی با صامت :

تکرار صامت « ر » در کانون مرکزی و سایر واژه های غزل با توجه به محور طولی، به افزایش موسیقی شعر و ایجاد انسجام طولی غزل کمک شایانی کرده است.

ب) تکرار :

تکرار ردیف فعلی « غم مخور » که در تداعی ایده ی اصلی و مهم ترین درون مایه ی غزل ، تاثیر شایانی دارد و تکرار دال ادبی « دل » در بیت دو و شش که هم جنبه ی تاکید دارد و هم در ایجاد موسیقی تاثیر گذار بوده است .

۲-۲-۴) زیبایی شناختی معنایی نشانه ها بر پایه ی محور جانشینی و رستخیز کلمات (روابط متداعی دال و مدلول ها) :

الف) ایهام و چند معنایی :

نکته ی جالب توجه در به کار گیری ردیف فعلی « غم مخور » ، معانی مختلف آن در هر بیت از این غزل است. به طوری که می توان گفت یک دال بر چند مدلول دلالت کرده است.

ابیات یک و پنج : امیدوار باش / بیت دو : دل بد مکن، مهرا س / بیت سه : شاد باش / ابیات چهار و نه : یقین داشته باش / بیت شش : سرزنش را نپذیر ، نهرا س و قوی باش / ابیات هفت و هشت : نترس / بیت ده : دعا و قرآن بخوان
همچنین در کدواژه ی « سرزنش » در بیت هفت شاهد نوعی ایهام (سه معنایی) هستیم :

- ملامت و شماتت
- زدن با سر (سر یا نوک خار که در چیزی می خلد)
- (به احتمال) زدن خار بر سر (حمیدیان ، جلد ۴ ، ۱۳۹۱ ، ۲۸۰۴)

ب) مراعات نظیر :

در بررسی دال های این غزل ، شبکه های معنایی مراعات نظیر زیر به دست آمد :

- یوسف ، کنعان ، کلبه ی احزان. در این زنجیره ، علاوه بر مراعات نظیر ، تلمیح و اشاره به داستان قرآنی یوسف نبی نیز به چشم می خورد. (خرم شاهی ، ۱۳۹۶ ،

۸۲۷). این درهم تنیدگی به عنوان عامل ایجاد زیبایی هنری و چندلایه ای کردن معنا، قابل توجه است.

- دل ، سر
- بهار ، تخت ، چمن ، چتر ، گل ، مرغ خوش خوان.
- دو روز ، حال دوران ، دور گردون
- پرده ، بازی .
- سیل ، فنا ، بنیاد ، هستی ، نوح ، کشتیان ، طوفان . در این زنجیره نیز علاوه بر مراعات نظیر ، تلمیح به داستان قرآنی نوح نبی (حمیدیان، ۱۳۹۱، ۲۸۰۱) مشاهده می شود که نشانگر درهم تنیدگی نشانه ها و تاثیر این با هم آیی در زیبایی و چند لایه ای شدن سطوح معنا در غزل حافظ است.
- بیابان ، کعبه ، خار مغیلان ، سرزنش
- منزل ، مقصد ، راه ، خطرناک ، بعید ، پایان .
- جانان ، فرقت
- درس قرآن ، کنج فقر ، خلوت شبهای تار ، ورد ، دعا.

و قوی ترین و هنری ترین شبکه ی معنایی به دست آمده در این غزل زنجیره ای است که حول محور هسته ی مرکزی رمزگان « غم مخور » در گردش است و ضمن ایجاد درهم تنیدگی و انسجام معنایی، مفهوم شادی و امید را نیز در سراسر، غزل تداعی می کند :

- غم مخور، باز آید ، گلستان ، حالت به شود، سامان ، شوق، پایان ، خدای حال گردان.

همان طور که ملاحظه می شود ، وجود زنجیره های معنایی ایجاد شده بر اساس دال ها و کدواژه های مرکزی در این غزل ، ضمن ایجاد درهم تنیدگی رمزگان از بسامد بسیار بالایی نیز برخوردار است به طوری که می توان وجه غالب زیبایی شناختی این غزل را ، مراعات نظیر و تناسب در نظر گرفت.

۴-۲-۳) تضاد و تقابل:

در بیت یک ، میان کلبه احزان با گلستان تضاد برقرار است. در بیت چهار دال ادبی دو روز با دائما (قید زمان) در تضاد است تا مفهوم کوتاهی دوران نامرادی را بهتر القا نماید. در بیت هفت با یک درهم تنیدگی زیبایی شناختی رمزگان روبه رو هستیم. به این ترتیب که اگر طبق نظر آمده در "شرح شوق" ، سرزنش را با سر زدن معنا کنیم و نگاهی به چند معنایی این واژه داشته باشیم (حمیدیان ، جلد ۴ ، ۱۳۹۱ ، ۲۸۰۴) ، سر با قدم در معنای گام، تضاد دارد.

۴-۲-۴) چند معنایی دال ها و مدلول ها در عرصه ی استعاره (گسترش استعارای دال ها) :
الف) بیت یک :

- یوسف : استعاره از معشوق / امام زمان / استاد حافظ (جمال آفتاب ، علی سعادت پرور ، ص ۵۲).
- کنعان : استعاره از شیراز / کوی عاشق
- کلبه ی احزان : خانه ی پر اندوه عاشق هجران کشیده

ب) بیت سه :

- چمن : روزگار / زندگی
- گل : استعاره از خوشی / معشوق (سعادت پرور ، ۱۳۸۸ ، ۵۴)
- مرغ خوشخوان : عاشق / حافظ

ج) بیت پنج :

- پرده : استعاره از غیب
- بازی : استعاره از امور غیبی / با توجه به مصراع اول ، خوشی

د) بیت شش :

- نوح : راهنما / معشوق
- طوفان : مشکلات زندگی / سختی های راه عشق

ه) بیت هفت :

در این بیت با سه رمز استعارای مواجه هستیم :

- بیابان : راه ناهموار عشق یا عرفان
- کعبه : مقصود عاشق / کوی یار
- خار مغیلان : سختی ها و خطراتی که عاشق یا سالک را از طی طریق بازمی دارد.

ز) بیت نه :

- جانان دال استعاری این بیت است که مفهوم معشوق را تداعی می کند.

۴-۲-۵) چند معنایی دال ها و مدلول ها در عرصه ی مجاز (گسترش مجازی دال ها):

الف) بیت دو ، شش :

دل و سر کلیدواژه های مجازی این دو بیت است که با توجه به محور جانشینی زبان در معنای وجود عاشق یا حافظ به کار رفته اند.

ب) بیت چهار :

در این بیت دو روز را دال محوری در نظر گرفته ایم که در معنای مجازی زمان اندک و گذرا به کار رفته است.

ج) بیت هشت :

در این بیت ، منزل - مقصد و راه را می توان مجاز در نظر گرفت. منزل و مقصد ، جانشین کوی یار و راه ، جانشین راه عشق شده است که هر سه علاقه ی کلیه هستند.

۴-۲-۶) تشبیه و همانندی :

الف) بیت یک :

در مصراع دو ، تشبیه کلبه ی احزان به گلستان را داریم. همان طور که مشاهده می شود دو طرف تشبیه، دال است و از رمزهای محوری و با ایجاد تضاد میان این دو نشانه ، درهم تنیدگی رمزگان نیز مشهود است.

ب) بیت سه :

در این بیت ، عمر به بهار ، چمن به تخت و گل به چتر تشبیه شده است. درهم تنیدگی دال ها را در این جا نیز به خوبی می توان مشاهده کرد. چرا که در دل تشبیه تخت چمن

، مجاز و در دل چتر گل ، استعاره نهان شده است. درهم تنیدگی دال ها در غزل حافظ یکی از روش های ایجاد چند لایه ای شدن معنا در کلام اوست که به کمک کشف و تحلیل نشانه ها و روابط حاکم در میان آن ها می توان به زنجیره ای به هم پیوسته و منسجم از مفاهیم گوناگون در اندیشه و کلام حافظ دست یافت.

ج) بیت شش :

در این بیت نیز تشبیه فنا به سیل ، به عنوان یک دال محوری در غزل قابل توجه است . چرا که با برقراری اغراق در این رابطه ی دوسویه ، تبیین کننده ی درهم تنیدگی رمزگان شده است.

در پایان این بخش ، یادآوری می شود که بسامد بالای کاربرد عناصر زیبایی شناختی این غزل ، به ویژه مراعات نظیر و دال های استعاری ، با درهم تنیدگی رمزگان ، یکی از عوامل اصلی القای معانی صریح و ضمنی و دلالت های متنوع و ایجاد لایه های فراوان در سطح معناشناسی این غزل است.

۳-۴) انگیزتگی دال ها :

در بررسی انگیزتگی دال ها در این غزل ، موارد زیر به دست آمد :

بیت یک)

در این بیت با دو گروه اسمی زیر رو به رو هستیم :

- یوسف گم گشته : ترکیبی وصفی که دال مورد نظر ما (یوسف) به وسیله ی صفت (گمگشته) مقید و معنای آن محدود و خاص شده است. یوسف پسر یعقوب نبی)
- کلبه ی احزان : ترکیبی اضافی که دال مورد نظر ما (کلبه) به وسیله ی مضاف الیه (احزان) مقید و معنای آن محدود شده است. (خانه ی یعقوب در هنگام دوری یوسف) . البته برخی اصطلاح سازان چنین تعریفی نیز برای آن وضع کرده اند: کلبه ی احزان ، وقت حزن را گویند که به سبب فقدان معشوق رخ بنماید. (حمیدیان، جلد ۴، ۱۳۹۱، ۲۸۰۰)

(بیت دو)

در این بیت در دو ترکیب وصفی (دل غمدیده و سر شوریده) عامل انگیزندگی دل و سر ، به ترتیب صفت غم دیده و شوریده است که باعث شده هر دو دال ، دلالتگر اندوه و آشفتهگی اوضاع بشوند.

(بیت سه)

این بیت از نظر انگیزندگی دال ها ، بسیار قابل توجه است:
بهار ، چمن ، گل و مرغ به وسیله ی قرار گرفتن در گروه های اسمی (بهار عمر ، تخت چمن ، چتر گل ، مرغ خوش خوان) دارای معانی خاص و محدود شده و انگیزندگیشان افزایش یافته است.

(بیت پنج)

در این بیت با دال بازی رو به رو هستیم که با مقید شدن به وسیله ی صفت پنهان ، دلالت بر غیبی بودن امور انسان دارد و سبب انگیزندگی دال شده است.

(بیت شش)

با در نظر گرفتن سیل و بنیاد به عنوان دال ادبی در این بیت ، متوجه می شویم که به ترتیب بر مدلول فنا و هستی دلالت کرده اند . این محدودیت با قرار گرفتن در دو ساختار اضافه تشبیهی و استعاری ایجاد شده و انگیزندگی نشانه ها را افزایش داده است.

(بیت هفت)

خار در ترکیب وصفی خار مگیلان انگیزندگی چندانی ندارد و فقط دلالت بر سختی دارد و معنا را اغراق آمیزتر کرده است.

(بیت هشت)

در این بیت نیز ترکیب وصفی (هیچ راه) عامل ایجاد اغراق در مدلول راه (راه عشق) شده و سبب انگیزندگی در دال نشده است.

بیت نه)

انگیزگی دو رمز جانان و رقیب به عنوان مضاف الیه در گروه اسمی (فرقت جانان) و (ابرام رقیب) با محدودیت معنا، افزایش یافته است.

بیت ده)

در این بیت اضافه شدن قرآن به درس، معنایی خاص و محدود به آن بخشیده و نشانه را انگیزته کرده است.

مقید شدن دال های محوری این غزل با قرار گرفتن در گروه های اسمی گوناگون، جز دو مورد، میزان انگیزگی نشانه ها را افزایش داده است.

۵) بحث و نتیجه گیری:

پس از ارایه و تحلیل یافته ها، نتایج زیر متناسب با هر بخش قابل تبیین است:

۱-۵) انگیزگی دال ها:

در این پژوهش بحث انگیزگی سوسوری به این معنا که هرچه دال های زبان مقیدتر باشند، محدودیت معنایی بیشتری می یابند، به خوبی قابل مشاهده است. از نظر سوسور تغییر در ساختار زبانی دال ها می تواند از بار نشانه ای آن ها بکاهد و معانی رمزی آن ها را محدود نماید. بر این اساس در بیشتر موارد همنشینی دال ها با واژه های دیگر به آن ها مفاهیم خاص و منحصر به فرد می دهد و آن ها را از مفهوم عام (تیره) دور می کند.

به عبارتی دیگر، جایگاه خاص دال ها در محور همنشینی زبان در تعداد مدلول ها تاثیر گذار خواهد بود. البته قرار گرفتن رمز در گروهی از کلمات الزاما نمی تواند نشانگر انگیزگی باشد و درجه و میزان انگیزگی نیز در همه ی دال ها یکسان نیست (انگیزته، نیمه انگیزته، غیر انگیزته). به عنوان مثال همراه شدن خار با مغیلان در بیت هفت، تفاوت معنایی چندانی ایجاد نکرده است

در این قبیل گروه ها وابسته های پیشین و پسین، تنها جنبه ی تکمیلی دارد که می توان این تیپ نشانه ها را نشانه های نیمه انگیزته نامید. نیز شاید بتوان این گونه گفت که هرچه اضافه های تشبیهی در متن بیشتر باشد، دال ها انگیزته تر می شوند. با بررسی دال هایی که در جایگاه مشبه به قرار می گیرند این نتیجه به دست می آید که با محدود شدن به وسیله ی مشبه، دارای انگیزگی بیشتر می شوند.

پس می توان گفت کاربست تشبیه در رمزگان با تبدیل یک اسم عام به اسمی خاص در افزایش انگیزتگی دال تاثیر گذار است. به عنوان مثال سیل، اسمی عام است ولی هنگام قرار گرفتن به عنوان مشبه به (سیل فنا)، مدلول فنا را تداعی می کند که یک مفهوم ضمنی است و از معنای صریح خود فاصله گرفته است. این نتیجه گیری برای اضافه های استعاری و برخی از ترکیب های وصفی نیز قابل تعمیم و بیان است (به ویژه دال هایی که با این و آن مقید می شوند).

بنابراین از روش های اختصاصی کردن رمزگان در یک متن (ایجاد شفافیت در معنا) ، قرار دادن آن رمز در ساختار اضافه های تشبیهی ، استعاری یا ترکیب های وصفی است و از آن جا که انگیزتگی سبب محدودیت و مقید شدن معنای دال (مدلول و دلالت) می شود، در کاهش سطوح و لایه های معنا و حفظ معنای شفاف و غیر انگیزخته نشانه نیز موثر است. بر اساس بررسی رمزگان در متن غزل مورد پژوهش، روش های انگیزتگی دال و محدود و مقید شدن مدلول و دلالت عبارتند از :

- ۱) نشستن در جایگاه موصوف در ترکیب وصفی. (پذیرش صفت پیشین یا پسین)
- ۲) نشستن در جایگاه مضاف در ترکیب اضافی. (پذیرش مضاف الیه)
- ۳) نشستن در جایگاه مشبه به در تشبیه اضافی .
- ۴) نشستن در جایگاه وجه شبه در اضافه ی استعاری.
- ۵) نشستن روی محور همنشینی و بهره گیری از جادوی مجاورت.
- ۶) وجود دلالت های صریح در بیت - پس یا پیش دال مورد نظر- می تواند یکی از دلایل انگیزتگی نشانه به حساب بیاید، چرا که به گونه ای سبب مقید شدن مدلول و محدود شدن مفاهیم ضمنی دال خواهد شد.

۲-۵) درهم تنیدگی دال ها :

درهم تنیدگی دال ها در غزل حافظ یکی از روش های ایجاد چند لایه ای شدن معنا در کلام اوست که به کمک کشف و تحلیل نشانه ها و روابط حاکم در میان آن ها می توان به زنجیره ای به هم پیوسته و منسجم از مفاهیم گوناگون در اندیشه و کلام او دست یافت. همچنین ، درهم تنیدگی رمزگان ، یکی از عوامل اصلی القای معانی صریح و ضمنی و دلالت های متنوع و ایجاد لایه های فراوان در سطح معناشناسی غزلیات حافظ است.

در حقیقت ، چند بعدی بودن تصاویر شاعرانه، درهم تنیدگی نشانه ها را به عنوان یکی از عوامل گسترش معنا و چندلایه ای بودن مضامین شعری ، تبیین می کند. از طرفی وجود

تصاویر بدیع و در هم تنیده اوج شاهکار هنری حافظ را در ایجاد ایماژ و تخیل شاعرانه نیز نمایان می سازد.

۳-۵) وجه غالب عناصر زیبایی شناسی در رمزگان غزل :

پس از بررسی عناصر زیبایی رمزگان در غزل انتخابی، مشخص شد که وجه غالب این عناصر مراعات نظیر است. با توجه به پژوهش های انجام شده به وسیله ی محقق این مقاله در غزلیات حافظ، به نظر می رسد کاربرد زنجیره های متعدد معنایی (مراعات نظیر و تناسب) یکی از عوامل اصلی ایجاد تصاویر سه یا چند بعدی در محور طولی هر غزل است.

گویی واژه گزینی های خواجه، به منظور ساخت این شبکه های مراعات نظیر و تناسب، کاملاً آگاهانه و عمدی صورت گرفته که علاوه بر ایجاد پیوند میان ابیات، خلق موسیقی و آفرینش کلام هنری، منجر به آفرینش تصاویر اندام وار بکر و هنری و در نهایت نشانگر ساختاری یک دست ، به هم پیوسته و منسجم در کلیت متن سروده نیز می شود.

در پایان ، لازم به ذکر است که با مشخص شدن هسته ی مرکزی رمزگان و کدهای تقویت کننده ی آن در متن غزل و تبیین روابط آن ها می توان به لایه هایی تازه و بکر از سطوح فراوان معنا در غزلیات حافظ بر پایه ی توجه به روابط و پیوند ابیات در محور طولی غزل دست یافت.

رویکردی که در نهایت با تاکید بر عدم قطعیت رابطه ی دال و مدلول ها و نمایاندن بازی بی پایان دلالت ها خواننده را به این نتیجه ی معقول می رساند که اعلام یک مفهوم قرادادی و مطلق برای متنی چند لایه ای همچون غزل های حافظ ، کاری غیر علمی و ناپذیرفتنی خواهد بود

زبان حافظ در متن این غزل، زبان همدلی و هم حسی است. او با انتخاب ردیف « غم مخور » با لحنی تاکیدی ، از خواننده می خواهد که به دل بد نیاورد و با یقین به لطف نهانی خداوند آگاه باشد که خداوند فریادرس است و حال بد را به نیکو مبدل می گرداند. (برابر با جمله ی : يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ) يَا مُحَوِّلَ الْحَوَالِ وَالْأَحْوَالِ).

از بیشتر ابیات این غزل ظاهر می شود که خواجه پس از وصال، به فراق مبتلا گشته و سال ها به آن مبتلا بوده و با این بیانات، خود را به فرا رسیدن روزگار وصل دلداری داده است. (سعادت پرور، ۱۳۸۸، ۵۲). در حقیقت، حافظ با بهره گیری از دو گونه رمزگان کنشی پیش گویانه و پند و اندرزی و با ظرافت و نکته دانی در مورد چند معنایی بودن فعل « غم

مخور» ، پیام خوش باشی، امید و مثبت اندیشی نسبت به آینده را به گیرندگان ارسال نموده است. هرچند ظاهر این سروده، فرم روایی ندارد، حافظ با بهره گیری از کنش تک گویی کلیت گفتمان غزل را با محوریت ردیف فعلی « غم مخور » دستور دهنده و تصمیم گیرنده از آغاز تا پایان با پیرنگی قوی پیش می برد. کنش مسلط بر این غزل، وصل ، شادی و به سامان شدن اوضاع است. در اصل گذر از دوران فرقت و اندوه و رسیدن به مقصد و منزل غایی به یاری لطف الهی مهم ترین رویداد مطرح در شعر مورد نظر خواهد بود. (نوعی گذر و سفر از سیاهی به سپیدی و روشنایی)

۶) تعارض منافع

* تعارض منافع ندارم.

۷) سپاسگزاری

* در پایان بر خود بایسته می دانم که از استاد فرهیخته ، جناب آقای دکتر محسن ذوالفقاری ، استاد تمام گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اراک و نیز استاد راهنمای این جانب، که بنده را در همه ی مراحل انجام این پژوهش، همراهی و یاری نمودند، سپاسگزاری نمایم.

منابع پژوهش به فارسی :

آی دی نویسندگان:

الهه شاهی ID Orcid 0000-0002-5346-1439

دکتر محسن ذوالفقاری ID Orcid 0000-0002-8823-1588

دکتر حسن حیدری ID Orcid 0000-0003-1139-1572

• قرآن کریم.

- ۱) اختیار، منصور، (۱۳۴۸)، معنی شناسی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۲) اسکولز، رابرت، (۱۳۸۳)، درآمدی بر ساختارگرایی در ادبیات، ترجمه ی فرزانه طاهری، تهران، انتشارات آگاه.
- ۳) آلن گراهام، (۱۳۸۵)، بینامتنیت، یزدانجو، پیام، نشر مرکز، تهران.
- ۴) بارت، رولان، (۱۳۸۶)، امپراطوری نشانه ها، فکوهی، ناصر، نشر نی، تهران.

- (۵) باطنی ، محمد رضا ، (۱۳۵۶)، درباره ی زبان (مجموعه مقالات) ، تهران ، فاروس ایران.
- (۶) باطنی ، محمد رضا ، (۱۳۶۷) ، کلمات تیره و شفاف : بحثی در معناشناسی ، تهران ، فاروس ایران.
- (۷) برگر ، آرتور آسا ، (۱۳۸۵)، نقد فرهنگی ، ترجمه ی حمیرا شیرزاده ، تهران ، مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- (۸) تادیه ، ژان لیو ، (۱۳۷۸) ، نقد ادبی در قرن بیستم ، ترجمه ی مهشید نونهالی ، تهران ، انتشارات نیلوفر.
- (۹) چندلر ، دانیل ، (۱۳۸۷) ، مبانی نشانه شناسی ، ترجمه ی مهدی پارسا ، سوره ی مهر ، چاپ دوم.
- (۱۰) حافظ شیرازی ، شمس الدین محمد ، (۱۳۶۷) ، دیوان ، تصحیح قزوینی و غنی ، به اهتمام ع - جریزه دار ، بنیاد سینمایی فارابی ، تهران.
- (۱۱) حمیدیان ، سعید ، (۱۳۹۱) ، شرح شوق ، تهران ، نشر قطره .
- (۱۲) خرم شاهی ، بهالدین ، (۱۳۹۶) ، حافظ نامه ، تهران ، انتشارات علمی و فرهنگی کتیبه ، چاپ بیست و دوم.
- (۱۳) دوسوسور، فردینان ، (۱۳۷۸)، دوره ی زبان شناسی عمومی ، ترجمه : کوروش صفوی ، چاپ اول ، تهران ، هورمس.
- (۱۴) ذوالنور ، رحیم ، (۱۳۸۸) ، در جستجوی حافظ ، چاپ پنجم ، چاپ گلستان ، تهران.
- (۱۵) رابینز ، آر، اچ ، (۱۳۷۰) ، تاریخ مختصر زبان شناسی ، ترجمه ی محمد علی حق شناس ، تهران ، نشر مرکز.
- (۱۶) سجودی ، فرزانه ، (۱۳۸۲) ، نشانه شناسی کاربردی ، نشر قصه ، تهران.
- (۱۷) سعادت پرور ، علی ، (۱۳۸۸) ، جمال آفتاب ، شرحی بر دیوان حافظ ، برگرفته از جلسات اخلاقی علامه سید محمد حسین طباطبایی ، چاپ هفتم ، مجتمع چاپ و نشر رویداد ، انتشارات احیای کتاب ، تهران .
- (۱۸) سلدن ، رامان ، (۱۳۸۴، ۲۰۰۵) ، راهنمای نظریه ی ادبی معاصر، ترجمه ی عباس مخبر ، چاپ سوم ، تهران ، طرح نو ، چاپ به زبان اصلی.
- (۱۹) فتوحی ، محمود ، (۱۳۹۱) ، سبک شناسی ، انتشارات سخن ، تهران.
- (۲۰) کالر ، جانانان ، (۱۳۷۸) ، زبان شناسی ساختاری ، نشانه شناسی ، مترجم : کوروش صفوی ، نشر هرمس .
- (۲۱) کالر ، جانانان ، (۱۳۸۸) ، در جستجوی نشانه ها (نشانه شناسی ، ادبیات ، و اسازی) ، ترجمه ی لیلا و تینا امرالهی ، ویرایش

۲۲) گیرو ، پی یر ، (۱۳۸۰) ، نشانه شناسی ، ترجمه : محمد نبوی ، انتشارات آگاه ، تهران.
۲۳) مارتین ، والاس ، (۱۳۸۶) ، نظریه های روایت ، ترجمه : محمد شهبان ، چاپ دوم ، هرمس ، تهران.

۲۴) محسنیان راد ، مهدی ، (۱۳۸۵) ، ارتباط شناسی ، سروش ، چاپ هفتم ، تهران.
۲۵) مقدادی ، بهرام ، (۱۳۷۸) ، فرهنگ اصطلاحات ادبی ، از افلاطون تا عصر حاضر ، تهران ، انتشارات فکر روز.

۲۶) میر عمادی ، سید علی ، (۱۳۸۴) ، فرهنگ توصیفی نشانه شناسی ، معرفت و زبان آموز ، چاپ اول ، تهران.

۲۷) هریس ، روی ، (۱۳۸۱) ، زبان ، سوسور و وینکنشتاین ، مترجم : اسماعیل فقیه ، تهران ، نشر مرکز.

منابع پژوهش به انگلیسی:

- The Holy Quran.
- 1. Ekhtiar, Mansour, (1348), Semantics, Tehran: University of Tehran Press.
- 2. Scholes, Robert, (2004), An Introduction to Structuralism in Literature, translated by Farzaneh Taheri, Tehran, Agah Publications.
- 3. Alan Graham, (2006), Intertextuality, Yazdanjoo, Payam, Markaz Publishing, Tehran.
- 4. Bart, Roland, (2007), Empire of Signs, Fekouhi, Nasser, Ney Publishing, Tehran.
- 5. Bateni, Mohammad Reza, (1977), On Language (Collection of Articles), Tehran, Faros Iran.
- 6. Bateni, Mohammad Reza, (1988), Dark and clear words: A discussion in semantics, Tehran, Faros Iran.
- 7. Berger, Arthur Asa, (2006), Cultural Criticism, translated by Homeira Shirzadeh, Tehran, Center for the Recognition of Islam and Iran.
- 8. Tadiyeh, Jean Liu, (1999), Literary Criticism in the Twentieth Century, translated by Mahshid Nonhali, Tehran, Niloufar Publications.
- 9. Chandler, Daniel, (2008), Fundamentals of Semiotics, translated by Mehdi Parsa, Surah Mehr, second edition.
- 10. Hafez Shirazi, Shamsuddin Mohammad, (1988), Divan, edited by Qazvini and Ghani, by A. Jarbzehdar, Farabi Cinema Foundation, Tehran.
- 11. Hamidian, Saeed, (2012), Sharh Shogh, Tehran, Qatreh Publishing.
- 12. Khorram Shahi, Bahauddin, (2017), Hafeznameh, Tehran, Scientific and Cultural Publications of the Inscription, 22nd Edition.
- 13. Dososour, Fardinan, (1999), General Linguistics Course, translated by Kouros Safavid, first edition, Tehran, Hormes.

14. Zulnoor, Rahim, (2009), In Search of Hafez, Fifth Edition, Golestan Press, Tehran.
15. Robbins, R., H., (1991), A Brief History of Linguistics, translated by Mohammad Ali Haghshenas, Tehran, Markaz Publishing.
16. Sojudi, Farzan, (2003), Applied Semiotics, Story Publishing, Tehran.
17. Saadat Parvar, Ali, (2009), Jamal Aftab, A Commentary on Hafez's Divan, taken from the moral sessions of Allama Seyyed Mohammad Hossein Tabatabai, seventh edition, Event Publishing Complex, Book Revival Publications, Tehran.
18. Selden, Raman, (2005, 2005), Guide to Contemporary Literary Theory, translated by Abbas Mokhber, third edition, Tehran, new design, printed in the original language.
19. Fotouhi, Mahmoud, (2012), Stylistics, Sokhan Publications, Tehran.
20. Caller, Jonathan, (1999), Structural Linguistics, Semiotics, Translator: Cyrus Safavid, Hermes Publishing.
21. Color, Jonathan, (2009), In Search of Signs (Semiotics, Literature, Deconstruction), translated by Leila and Tina Amrollahi, edited
22. Giro, Pierre, (2001), Semiotics, translated by Mohammad Nabavi, Agah Publications, Tehran.
23. Martin, Wallace, (2007), Narrative Theories, translated by Mohammad Shahba, second edition, Hermes, Tehran.
24. Mohsenian Rad, Mehdi, (2006), Communication, Soroush, seventh edition, Tehran.
25. Meghdadi, Bahram, (1999), Dictionary of Literary Terms, from Plato to the Present Age, Tehran, Fekr Rooz Publications.
26. Mir Emadi, Seyed Ali, (2005), Descriptive Culture of Semiotics, Knowledge and Language Learning, First Edition, Tehran.
27. Harris, Roy, (2002), Language, Saussure and Winckenstein, Translator: Ismail Faqih, Tehran, Markaz Publishing.

استناد به این مقاله: شاهی، الهه. (سال). تحلیل نشانه شناسیک غزلی از حافظ، متن پژوهی ادبی دانشگاه علامه

Shahi. Elahe of Journal is



طباطبائی تهران ۱۴۰۰ (شماره)، ص آغاز-ص پایان.

licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.